

رویداد

اتمام حجت بانک مرکزی با صرافان

۴۵۰ صرافی مجاز می شوند

● ایرنا؛ معاون نظارتی بانک مرکزی از اتمام حجت این بانک با صرافان بدون مجوز خبر داد و گفت: صرافان زیادی در جریان دریافت مجوز از بانک مرکزی قرار دارند بنابراین بانک مرکزی از پایان مرداد و هم‌زمان با اتمام فرصت دریافت مجوز با صرافان بدون مجوز برخورد می‌کند.

حمید تهرافر در پاسخ به پرسشی درباره پایان مهلت ساماندهی صرافی‌ها در ۲۸ مردادماه سال جاری و همچنین اقدامات انجام‌شده از سوی بانک مرکزی در این زمینه، افزود: براساس دستورالعمل جدید، مهلت صرافان برای دریافت مجوز با بانک مرکزی روز ۲۸ مردادماه پایان می‌یابد. به گفته وی، صرافان غیرمجاز بعد از پایان این دوره طبق قانون نباید معاملات ارزی داشته باشند و این امر فقط برای صرافان دارای مجوز از بانک مرکزی امکان‌پذیر است.

معاون نظارتی بانک مرکزی تأکید کرد: براساس قانون، فعالیت صرافان بدون مجوز مشمول ضوابط قانون مبارزه با قاچاق ارز می‌شود و پس از اتمام این دوره (۲۸ مرداد) خریدوفروش ارز توسط این صرافی‌ها، آشکارا کاری غیرقانونی است.

وی با تأکید بر اینکه برخی از صرافی‌ها دارای کفایت سرمایه مناسبی هستند، اظهار کرد: تعدادی از صرافی‌های قدیمی در حال تمدید مجوز و تعدادی صرافی جدید نیز در حال دریافت مجوز از بانک مرکزی هستند.

معاون نظارتی بانک مرکزی از بررسی وضعیت تعداد زیادی از صرافی‌ها در بانک مرکزی خبر داد و تصریح کرد: هرچند آثار تعدادی از صرافان مجاز روی سیایت بانک مرکزی قرار گرفته است؛ اما پس از بررسی‌ها و ارائه مجوز باید آمار ۴۰۰ یا ۵۰۰ صرافی به این تعداد اضافه شود.

تهرانفر با تأکید بر اینکه، عمده صرافی‌های قدیمی مجاز هستند و پروانه دریافت کرده‌اند، ادامه داد: تعداد زیادی تقاضا نیز روی میز بانک مرکزی قرار دارد.

این مقام مسئول در بانک مرکزی با اشاره به پایان مهلت صرافی‌ها برای دریافت مجوز از بانک مرکزی در پایان مرداد، گفت: بانک مرکزی پس از پایان این مهلت با صرافی‌های غیرمجاز برخورد خواهد کرد.

تهرانفر از متقاضیان بازار ارز خواست در معاملات خود به صرافی‌های دارای مجوز از بانک مرکزی مراجعه کنند؛ زیرا فعالیت صرافی‌های بدون مجوز غیرقانونی است.

وی گفت: با مجموع صرافی‌هایی‌که از گذشته با بانک مرکزی در حال همکاری بودند، درحال حاضر ۳۵۰ صرافی مجوز خود را تمدید کرده‌اند و دارای مجوز معتبرند و اسامی آنها در سایت بانک مرکزی نیز ثبت شده است.

معاون نظارت بانک مرکزی ادامه داد: ۴۵۰ صرافی دیگر هم با ارائه مدارک خود به بانک مرکزی در حال ورود به فهرست صرافی‌های مجاز هستند.

تهرانفر با بیان آنکه فرصت باقی‌مانده بهترین زمان برای صرافی‌هایی است که تاکنون هیچ اقدامی انجام نداده‌اند، اظهار کرد: مهلت تعیین‌شده از سوی بانک مرکزی برای صرافی‌ها به هیچ عنوان از سوی این بانک تمدید نمی‌شود. وی در پاسخ به این سؤال که بانک مرکزی چه برخوردی با صرافی‌هایی که در مهلت تعیین‌شده بانک مرکزی مدارک خود را ارائه نکنند، خواهد داشت؟ اظهار کرد: ابتدا از مردم درخواست داریم نیازهای ارزی خود را فقط در صرافی‌های مجاز و بانک متمرکز کنید؛ باید یادآوری کرد معاملات ارزی خارج از مکان‌های مجاز به شرعی که اعلام شده، مشمول ضوابط قانون قاچاق کالا و ارز می‌شود.

ضمن آنکه بانک مرکزی با پایان مهلت تعیین‌شده برای صرافی‌ها، با صرافی‌های متخلف به‌طور قاطع برخورد می‌کند.

وی افزود: درحال‌حاضر بیش از دو هزار متقاضی صرافی جدید کار خود را در بانک مرکزی به مراحل نهایی نزدیک کرده‌اند که امیدواریم با ورود این تعداد صرافی، شاهد بازاری منظم متشکل از قریب به سه هزار صرافی مجاز در کشور باشیم که بسیاری از مشکلات مطروحه به‌این‌ترتیب از بین خواهد رفت.

یادآور می‌شود، اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور، مرداد سال گذشته در ابلاغیه‌ای به بانک مرکزی دستور ساماندهی صرافی‌ها را صادر کرد که براساس آن صرافی‌ها تا ۲۸ مرداد سال جاری برای دریافت مجوز از بانک مرکزی فرصت داشتند بنابراین این صرافی‌ها برای دریافت مجوز ۱۷ روز زمان دارند.

براساس این دستورالعمل، حداقل سرمایه اولیه تأسیس صرافی‌های متعلق به مؤسسات اعتباری (بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی) و نیز صرافی‌های هفت شهر تهران، کرج، اصفهان، شیراز، مشهد، اهواز و تبریز چهار میلیارد تومان و در سایر شهرها دومیلیارد تومان تعیین شد. همچنین صرافی‌ها موظف به ارائه ضمانت‌نامه بانکی بدون قیدوشرط حسن انجام تعهد به‌نفع بانک مرکزی به میزان ۵۰ درصد آخرین سرمایه ثبتی شدند.

اقتصاد درون‌زای برون‌گرا، آری

احمد میرخداپی؛ چندی پیش مسعود نیلی، مشاور ارشد اقتصادی رئیس‌جمهور، اقتصاد ایران را در معرض یک انتخاب دانست؛ انتخابی که به گفته او تنها در اختیار دولت نیست و جامعه باید به این انتخاب دست بزند. او گزینه طرح کرد یکی «اقتصاد برون‌زا و درون‌گرا» و دیگری «اقتصاد درون‌زا و برون‌گرا». «گزینه اول یعنی اینکه اقتصاد در شرایط پس از تحریم با محوریت صادرات نفت و واردات ناشی از آن باشد. در این گزینه سرمایه‌گذاری خارجی با محوریت شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی برای بازار داخلی است و ورود منابع خارجی به شرط تضمین بانک مرکزی محقق خواهد شد». «گزینه دوم هم به معنی توسعه تجارت با محوریت صادرات صنعتی و توسعه گردشگری است. در این گزینه سرمایه‌گذاری خارجی با محوریت بخش خصوصی برای توسعه صادرات و تأمین مالی خارجی هم با محوریت بخش خصوصی برای رونق تولید و توسعه کسب‌وکار است». حالا چهار اقتصاددان در گفت‌وگو با «شرق» سعی دارند، دست به انتخاب بزنند. انتخاب آنها اقتصاد درون‌زای برون‌گرا است که برای انتخاب خود دلایلی هم آورده‌اند.

اقتصاد نفتی مانع توسعه صادرات
بهرز هادی زوز/ اقتصاددان
اقتصاد نفتی درون‌گرا، در تقسیم‌کار اقتصاد جهانی، ما را در جایگاه کشور صادرکننده انرژی و واردکننده کالاهای اساسی قرار می‌دهد که به‌دلیل شوک‌های نفتی و با توجه به تک‌محصولی‌بودن، جایگاهی پرمخاطره است و اقتصاد برون‌گرا با رویکرد صادراتی، ما را به جایگاه کشوری صادرکننده و دارای سبد متنوع می‌رساند که از شوک‌های اقتصادی آسیب کمتری را متحمل می‌شود. این همان چیزی است که در سند اقتصاد مقاومتی بر آن تأکید شده و به تأیید مقام معظم رهبری نیز رسیده است. اقتصاد ایران در دوران بعد از انقلاب به موجب قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام، بیشتر در جهت خودتاکایی پیش رفته و باوجود اینکه از برنامه اول، توسعه صادرات مطرح بوده اما در یک اقتصاد نفتی که نرخ ارز به‌عنوان لنگر اسمی مهار تورم در بازارها به‌کار گرفته شده، صادرات غیرنفتی نمی‌تواند توسعه پیدا کند. از یک‌سو در هر دو دوره قبل و بعد از انقلاب، به‌دلیل وجود درآمدهای نفتی، هیچ‌گاه نیاز به ارز خارجی وجود نداشت و به‌بازارهای جهانی احساس نشده، از دیگر سو اصولا سیاست خارجی ما با جهان پرتنش بوده است. از این‌رو نه توانسته‌ایم در سازمان تجارت جهانی عضو شویم و نه جایگاهی در بازار کشورهای صنعتی بزرگ پیدا کرده‌ایم. در این اقتصاد درون‌گرای مبتنی بر درآمدهای نفتی، رشد اقتصادی با قیمت نفت هماهنگ است، گرچه در دوره‌های شوک مثبت قیمت نفت، احتمالا رشد اقتصادی نسبتا قابل‌قبولی دیده شود اما این رشد

تجربه کشورهای نوظهوری که در زمینه صنعتی‌شدن و رشد اقتصادی، مطرح هستند این نکته را گوشزد می‌کند که هیچ‌کدام از این کشورها بدون اتخاذ رویکرد صادراتی موفق نشده‌اند. رویکرد صادراتی و برون‌گرا، دو مزیت عمده دارد. اول اینکه در مواجهه با بازار بزرگ، می‌توان تولید را با توجه به صرفه‌های مقیاس برنامه‌ریزی کرد؛ به‌عبارتی، آنگاه که بازار کوچک باشد ناگزیر واحدهای تولیدی نیز کوچک کنند و هنگامی که بازار بزرگ و پرتقاضا باشد، واحدهای تولیدی نیز می‌توانند گسترش یابند و توسعه پیدا کنند. مزیت دوم رویکرد صادراتی این است که محصولات تولیدی در معرض رقابت قرار خواهند گرفت و این امر باعث می‌شود هزینه تولید کاهش یابد و به‌دلیل محصولات افزایش داده شود؛ بنابراین کشوری که این رویکرد را اتخاذ می‌کند، ناگزیر است بهترین استانداردهای جهانی را رعایت کند و برای این کار نیازمند دستیابی به دانش، تکنولوژی و تجهیزاتی است که می‌تواند خریداری کرد.

بسیاری از کشورها سعی می‌کنند با جذب صنعتی‌شدن و رشد اقتصادی، مطرح هستند این نکته را گوشزد می‌کند که هیچ‌کدام از این کشورها بدون اتخاذ رویکرد صادراتی موفق نشده‌اند. رویکرد صادراتی و برون‌گرا، دو مزیت عمده دارد. اول اینکه در مواجهه با بازار بزرگ، می‌توان تولید را با توجه به صرفه‌های مقیاس برنامه‌ریزی کرد؛ به‌عبارتی، آنگاه که بازار کوچک باشد ناگزیر واحدهای تولیدی نیز کوچک کنند و هنگامی که بازار بزرگ و پرتقاضا باشد، واحدهای تولیدی نیز می‌توانند گسترش یابند و توسعه پیدا کنند. مزیت دوم رویکرد صادراتی این است که محصولات تولیدی در معرض رقابت قرار خواهند گرفت و این امر باعث می‌شود هزینه تولید کاهش یابد و به‌دلیل محصولات افزایش داده شود؛ بنابراین کشوری که این رویکرد را اتخاذ می‌کند، ناگزیر است بهترین استانداردهای جهانی را رعایت کند و برای این کار نیازمند دستیابی به دانش، تکنولوژی و تجهیزاتی است که می‌تواند خریداری کرد.

بسیاری از کشورها سعی می‌کنند با جذب صنعتی‌شدن و رشد اقتصادی، مطرح هستند این نکته را گوشزد می‌کند که هیچ‌کدام از این کشورها بدون اتخاذ رویکرد صادراتی موفق نشده‌اند. رویکرد صادراتی و برون‌گرا، دو مزیت عمده دارد. اول اینکه در مواجهه با بازار بزرگ، می‌توان تولید را با توجه به صرفه‌های مقیاس برنامه‌ریزی کرد؛ به‌عبارتی، آنگاه که بازار کوچک باشد ناگزیر واحدهای تولیدی نیز کوچک کنند و هنگامی که بازار بزرگ و پرتقاضا باشد، واحدهای تولیدی نیز می‌توانند گسترش یابند و توسعه پیدا کنند. مزیت دوم رویکرد صادراتی این است که محصولات تولیدی در معرض رقابت قرار خواهند گرفت و این امر باعث می‌شود هزینه تولید کاهش یابد و به‌دلیل محصولات افزایش داده شود؛ بنابراین کشوری که این رویکرد را اتخاذ می‌کند، ناگزیر است بهترین استانداردهای جهانی را رعایت کند و برای این کار نیازمند دستیابی به دانش، تکنولوژی و تجهیزاتی است که می‌تواند خریداری کرد.

بسیاری از کشورها سعی می‌کنند با جذب صنعتی‌شدن و رشد اقتصادی، مطرح هستند این نکته را گوشزد می‌کند که هیچ‌کدام از این کشورها بدون اتخاذ رویکرد صادراتی موفق نشده‌اند. رویکرد صادراتی و برون‌گرا، دو مزیت عمده دارد. اول اینکه در مواجهه با بازار بزرگ، می‌توان تولید را با توجه به صرفه‌های مقیاس برنامه‌ریزی کرد؛ به‌عبارتی، آنگاه که بازار کوچک باشد ناگزیر واحدهای تولیدی نیز کوچک کنند و هنگامی که بازار بزرگ و پرتقاضا باشد، واحدهای تولیدی نیز می‌توانند گسترش یابند و توسعه پیدا کنند. مزیت دوم رویکرد صادراتی این است که محصولات تولیدی در معرض رقابت قرار خواهند گرفت و این امر باعث می‌شود هزینه تولید کاهش یابد و به‌دلیل محصولات افزایش داده شود؛ بنابراین کشوری که این رویکرد را اتخاذ می‌کند، ناگزیر است بهترین استانداردهای جهانی را رعایت کند و برای این کار نیازمند دستیابی به دانش، تکنولوژی و تجهیزاتی است که می‌تواند خریداری کرد.

اقتصاد درون‌زای برون‌گرا، آری

شرکت‌های چندملیتی و دعوت از آنها برای حضور در کشور، اقتصاد داخلی را به سکوی صادرات برسانند. چنانچه سیاست کشور در قبال سرمایه‌گذاری خارجی مثبت باشد، می‌تواند با استفاده از حضور این شرکت‌ها، به تکنولوژی جهانی نیز دست پیدا کند.

شرکت‌های چندملیتی و دعوت از آنها برای حضور در کشور، اقتصاد داخلی را به سکوی صادرات برسانند. چنانچه سیاست کشور در قبال سرمایه‌گذاری خارجی مثبت باشد، می‌تواند با استفاده از حضور این شرکت‌ها، به تکنولوژی جهانی نیز دست پیدا کند.

مسلم است که برای رسیدن به توسعه اقتصادی باید اقتصاد درون‌زای برون‌گرا را انتخاب کنیم، چراکه یکی از دلایل وقوع انقلاب اسلامی نیز همین بوده است. درواقع در تقسیم‌کار جهانی در نظام پیشین در حد راهبرد جایگزینی واردات، اجازه صنعتی‌شدن به ایران داده بودند در شرایطی که همان زمان، کره جنوبی اجازه در حد پیشبرد صادرات را داشت. ثمره این شیوه، حفظ وابستگی دائمی ایران بود، چراکه ایران درآمدهای نفتی هنگفتی داشت و برای اینکه به قدرت منطقه‌ای و تهدید برای اسرائیل و کشورهای عربی و منطقه تبدیل نشود باید از صنعتی‌شدن آن جلوگیری می‌کردند. بنابراین با راهبرد صنعتی‌شدن جایگزینی واردات، امکانات به‌وجود آمده در ایران، قابل عرضه به جهان نبود؛ مثلاً آن زمان خودرو پیکان تولید می‌شد که دو نسل از صنعت روز خودرو عقب‌تر بود. متأسفانه باوجود اینکه رسیدن به توسعه صادرات و صنعتی‌شدن، یکی از دلایل شکل‌گیری انقلاب بود و در سرتاسر عمر انقلاب نیز تلاش برای نیل به این هدف وجود داشته اما این هدف محقق نشد. بخشی به‌دلیل جنگ تحمیلی بود اما در دوران پس از جنگ تا دورانی که به‌دلیل زیاده‌خواهی آمریکا و چالش‌گری برخی از جناح‌های داخل کشور، کار به سرخشت‌شدن تحریم‌ها کشیده شد، ما یک فرصت حدود ۱۵ ساله برای توسعه صادرات و صنعتی‌شدن داشتیم ولی آن‌را از دست دادیم. فرصت ایجادشده از زمان اتمام جنگ تا روزگار تشدید تحریم‌ها، با سیاست‌های عجولانه تعدیل و اصلاحات اقتصادی و عدالت پدرسالارانه به باد داده شد و نه‌تنها اثباتش لازم برای توسعه اقتصادی و اجتماعی به‌وجود نیامد بلکه اثباتش قبلی نیز به هدر رفت و در پایان، با شعار عدالت پدرسالارانه که یک اقتصاد رانتی را می‌طلبد، اقتصاد ایران به همان وضعیتی رسید که پادشاهی عربستان هم دارد

تجربه کشورهای نوظهوری که در زمینه صنعتی‌شدن و رشد اقتصادی، مطرح هستند این نکته را گوشزد می‌کند که هیچ‌کدام از این کشورها بدون اتخاذ رویکرد صادراتی موفق نشده‌اند. رویکرد صادراتی و برون‌گرا، دو مزیت عمده دارد. اول اینکه در مواجهه با بازار بزرگ، می‌توان تولید را با توجه به صرفه‌های مقیاس برنامه‌ریزی کرد؛ به‌عبارتی، آنگاه که بازار کوچک باشد ناگزیر واحدهای تولیدی نیز کوچک کنند و هنگامی که بازار بزرگ و پرتقاضا باشد، واحدهای تولیدی نیز می‌توانند گسترش یابند و توسعه پیدا کنند. مزیت دوم رویکرد صادراتی این است که محصولات تولیدی در معرض رقابت قرار خواهند گرفت و این امر باعث می‌شود هزینه تولید کاهش یابد و به‌دلیل محصولات افزایش داده شود؛ بنابراین کشوری که این رویکرد را اتخاذ می‌کند، ناگزیر است بهترین استانداردهای جهانی را رعایت کند و برای این کار نیازمند دستیابی به دانش، تکنولوژی و تجهیزاتی است که می‌تواند خریداری کرد.

بسیاری از کشورها سعی می‌کنند با جذب صنعتی‌شدن و رشد اقتصادی، مطرح هستند این نکته را گوشزد می‌کند که هیچ‌کدام از این کشورها بدون اتخاذ رویکرد صادراتی موفق نشده‌اند. رویکرد صادراتی و برون‌گرا، دو مزیت عمده دارد. اول اینکه در مواجهه با بازار بزرگ، می‌توان تولید را با توجه به صرفه‌های مقیاس برنامه‌ریزی کرد؛ به‌عبارتی، آنگاه که بازار کوچک باشد ناگزیر واحدهای تولیدی نیز کوچک کنند و هنگامی که بازار بزرگ و پرتقاضا باشد، واحدهای تولیدی نیز می‌توانند گسترش یابند و توسعه پیدا کنند. مزیت دوم رویکرد صادراتی این است که محصولات تولیدی در معرض رقابت قرار خواهند گرفت و این امر باعث می‌شود هزینه تولید کاهش یابد و به‌دلیل محصولات افزایش داده شود؛ بنابراین کشوری که این رویکرد را اتخاذ می‌کند، ناگزیر است بهترین استانداردهای جهانی را رعایت کند و برای این کار نیازمند دستیابی به دانش، تکنولوژی و تجهیزاتی است که می‌تواند خریداری کرد.

مذاکره شرکت‌های هواپیمایی ایران و آلمان

هواپیمای ساخت شرکت‌های غربی در صنعت هواپیمایی ایران استفاده می‌شوند، افزود: این موتورها درحال‌حاضر نیاز مبرم به تعمیر دارند. گفته می‌شود ایران در دهه آینده به خرید ۴۰۰ تا ۵۰۰ فروند هواپیمای مسافربری به ارزش

دست‌کم ۲۰ میلیارد دلار برای نوسازی ناوگان هوایی نیاز خواهد داشت. عباس آخوندی، وزیر راه و شهرسازی نیز پنجشنبه گذشته از مذاکرات ایران و شرکت هواپیمایی «ایرباس» با هدف نوسازی ناوگان هوایی کشور خبر داد. «ایرباس» شرکت هواپیماسازی اروپایی و سازنده بزرگ‌ترین هواپیمای مسافربری جهان است. دفتر مرکزی این شرکت در شهر «تولوز» فرانسه قرار دارد.

اقتصاد

اقتصاددانان به گزینه‌های مطرح شده توسط مسعود نیلی رای دادند

اقتصاد درون‌زای برون‌گرا، آری



عیسیٰ کوری، عضو

توسعه را به دست نیاورده‌ایم. این مسئله ناشی از غفلت بزرگی است که همه دولت‌ها و به‌خصوص برخی از جناح‌های انحصارطلب و تمامیت‌خواه، مرتکب شده‌اند. ایران باقره‌هایی از دانش توسعه را دارد اما یک دستگاه نظری دقیق و مهندسی‌شده، که لازمه توسعه است، وجود ندارد. باید اقتصاد درون‌زای برون‌گرا را انتخاب کرد، اما ابتدا نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و کارشناسی برای توسعه کشور هستیم.

تلاش برای افزایش اعتبار سیاسی واقتصادی محمود جام‌ساز، اقتصاددان



ایران از نظر سیاسی و اقتصادی، در آستانه یک تغییر و تحول تاریخی قرار دارد. پس از سال‌ها، یخ ضخیم روابط ایران و غرب، که مانع مرادوات و مناسبات دیپلماتیک بود، در حال آب‌شدن است. از سرگیری مناسبات دیپلماتیک مسلمان‌های تجارت بین‌المللی را به روی ایران باز می‌کند و ایران می‌تواند از یک فضای محصور اقتصادی خارج شود.

بنابراین اهمیت دوران پساتحریم ناشی از برقراری دوباره مناسبات اقتصادی و سیاسی ایران با دنیا برای ایران است و دولتمردان باید تلاش کنند که از این رخداد، در جهت تأمین منافع ملی و برقراری عدالت اجتماعی در کشور بهره‌برداری کنند. مسئله دلارهای نفتی اهمیت دارد اما پس از لغو تحریم‌ها، سرازیرشدن این دلارها به‌خودی‌خود کارایی عملکرد دولت را بالا نمی‌برد بلکه کارایی را نوع

برخورد و نحوه بهره‌مندی دولت از این منابع مشخص می‌کند. دولت باید منابع را به نیازهای واقعی و ارجح تخصیص دهد. این به اتمام یک تغییر پارادایم در اندیشه مدیران و تالشگران اقتصادی و سیاسی کشور سنگی دارد که ساختار از آنچه هست به ساختاری تبدیل شود که بتواند از ظرفیت‌های اقتصاد پویو خود، از شکاف و نهان اقتصادی، از لحاظ مادی و نیروی انسانی کشور، استفاده کند. درپه آزادنسازی اقتصادی، سلامت نظام بانکی و رقابت‌پذیری را باز کند چراکه این موارد ازجمله شرط‌های مهمی است که در دنیا توسط مؤسسات اعتبارسنجی بررسی می‌شود و براساس آن برای کشورها رتبه اعتباری اعلام می‌کنند. اگر اعتبار کشور از لحاظ سیاسی و اقتصادی مانند آزادسازی و رقابت‌پذیری اقتصادی، سلامت نظام بانکی و برخورد حاکمیتی بالا رود، آنگاه سرمایه‌گذار خارجی با احساس اینکه سرمایه‌گذاری در این کشور خطرناک نیست و قابلیت خارج‌کردن اصل فرم سرمایه در زمان دلخواه میسر است، برای سرمایه‌گذاری رغبت نشان می‌دهد.

اقدامات و برنامه‌ریزی‌های پس از رفع تحریم‌ها و ازسرگیری روابط بین‌الملل، باید مبتنی بر استفاده بهینه از منابع داخلی و خارجی در جهت اعتلای تولید ملی باشد چراکه فقط تولید می‌تواند رشد کشور را به‌دست آورد. این مسئله برای ۵۰۰ فقره حجت‌الاسلام علی صابری در حاشیه همایش سراسری مسئولان حوزه نمایندگی ولی‌فقیه در امور استان‌های وزارت جهاد کشاورزی در کلارآباد بیان کرد این میزان ساخت‌وساز به‌صورت غیرمجاز و قاچاق و به‌صورت ویلایی و مسکونی ساخته شده و در مجموع پنج میلیون مترمربع ساخت‌وساز غیرمجاز صورت گرفته است. وی با اشاره به اینکه از این میزان، تنها برای ۵۰۰ فقره

اقتصاد

اقتصادی پایدار را افزایش دهد، رشد اقتصادی منجر به اشتغال می‌شود و اشتغال درآمد می‌آفریند. با افزایش تولید ملی امکان حضور و رقابت در بازارهای بین‌المللی و افزایش صادرات مهیا می‌شود. در شرایطی که به علت عدم‌سرمایه‌گذاری اصولی و مدیریت‌شده در زیرساخت‌ها، با چاه‌های فرسوده مواجه هستیم و از طرفی قیمت نفت در بازارهای جهانی روند نزولی به خود گرفته است و احتمال افت بیش از این نیز وجود دارد. درآمدهای نفتی فقط هزینه‌های جاری دولت را پوشش نخواهد داد. ازجمله مسائلی که حتما باید مدنظر باشد، یکی تجدیدنظر در خام‌فروشی و تلاش برای فراوری و صادرات و دیگری کاهش وابستگی دولت به درآمدهای نفتی و تمرکز بر مالیات و شناسایی موجدان مالیاتی است.

تغییر دیدگاه توزیع پول

جعفر خیرخواهان/ اقتصاددان

عقل سلیم، اقتصاد درون‌زای برون‌گرا با محوریت صادرات صنعتی و توسعه گردشگری را انتخاب می‌کند اما این سؤال مطرح می‌شود که چگونه باید به این انتخاب جامه عمل پوشاند. چندسال متغی به انقلاب و دوران بعد از انقلاب، اقتصاد ایران به سمت اقتصاد نفتی و رانتی سوق پیدا کرد. پس از مصادره‌های اوایل انقلاب و شکل‌گیری بنیادهای انقلاب و در سال‌های اخیر نیز با شکل‌گیری بخش‌های خصولتی و شبه‌خصوصی، موتور اقتصاد ایران عمدتا با فروش نفت، گاز و منابع طبیعی حرکت کرده است. این وضعیت شایسته نبوده و از تحقق وعده‌های انقلاب جلوگیری کرده است.

شاید برای رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و تبدیل‌شدن به قدرت اول منطقه، حالا بهترین فرصت برای حرکت به سمت اقتصاد غیرنفتی و توسعه‌یافته باشد. اول از همه ذهنیت‌ها و باورها باید تغییر پیدا کند؛ دولت باید دیدگاه توزیع پول نفت بین مردم را تغییر دهد و بخش خصوصی، محور توسعه اقتصادی باشد. دولت باید ضمن پرهیز از دخالت‌های بی‌مورد و توأم با مالکیت، وظیفه پشتیبانی و تسهیل‌گری را برعهده بگیرد تا شرایط ورود به اقتصاد جهانی نیز مهیا شود. در اقتصاد جهانی با اصطلاح «زنجره ارزش محصول» روبه‌رو هستیم؛ یعنی کالاها، کشور تولید نمی‌شوند بلکه قطعات و بخش‌های مختلف آن در کشورهای مختلف تولید می‌شوند. ما باید در زنجیره ارزش محصول، جایگاه مناسبی پیدا کنیم و برای این‌کار باید ویژگی‌هایی مانند تعهد به قرارداد و خوش‌قولی تقویت شود. برای تقویت این ویژگی‌ها باید کالای استاندارد تولید کنیم و خدمات لجستیک مانند سیستم حمل‌ونقل، گمرک و گواهی بهداشتی نیز درست ایفاي نقش کنند تا بتوانیم به شکل مناسبی در عرصه جهانی مؤثر باشیم. مسئله دیگر، رتبه بالای ایران در فضای کسب‌وکار، فساد و عدم شفافیت است که همه باید به زیر صد و پایین‌تر برسند تا شرایط حرکت به سوی اقتصاد تولید نمی‌شوند بلکه سیستم حمل‌ونقل،

کتاب این مسائل، اقتصاد زیرزمینی و فعالیت‌های قاچاق، که طبق برآوردها ۳۰ تا ۴۰ درصد اقتصاد را شامل می‌شود، باید کاهش پیدا کند و انبوه قوانین دست‌وپاگیر نیز باید به قوانین سبک و هوشمند تبدیل شوند. گردشگری نیز به‌مثابه صادرات خدمات، یکی از محورهای کلیدی اقتصاد توسعه‌یافته است که ایران هم زمینه‌های مستعدی برای گسترش این میحث دارد اما توسعه گردشگری، نیازمند فعالیت‌های اساسی در بخش‌های مختلف است. باید یک همت ملی باشد تا در فرهنگ‌سازی برخورد با گردشگری و تمریز محیط زندگی، از اخلاق رانندگی و رفتار اجتماعی تا اصلاح نگرشی که نسبت به گردشگر خارجی وجود دارد، اصلاحات اساسی انجام شود و ایران، به‌عنوان مدعی صدور انقلاب، با چهره‌ای که شایسته آن است، شناسانده شود.

ساخت‌وساز غیرمجاز از احکام قضائی صادر شده است. گفت: به‌دلیل آنکه دستگاه‌های سنگین مانند لودر، بولدوزر و... نداریم، احکام اجرا نشده است و مشکلات و مسائل اجتماعی موجود نیز سبب شده تا بیشتر احکام صادرشده اجرا نشود. مسئول حوزه امور سازمان اراضی کشور، کمبود نیروی انسانی و امکانات را از دیگر مشکلاتی برشمرد که سبب می‌شود ساخت‌وسازهای غیرمجاز به‌موقع اطلاع‌رسانی و پیشگیری نشود. وی تصریح کرد: باید حقوق‌دان‌های زیادی داشته باشیم تا موضوعات را در محاکم قضائی پیگیری کنند و نبود ماشین‌آلات سنگین نیز اجرای احکام را مشکل کرده است.

ساخت ۵۰۰ هزار ویلای غیرمجاز در اراضی کشور

مهر: مسئول حوزه نمایندگی ولی‌فقیه در سازمان امور اراضی کشور از شناسایی ۵۰۰ هزار فقره ساخت‌وساز غیرمجاز ویلایی و مسکونی در اراضی کشور خبر داد.

حجت‌الاسلام علی صابری در حاشیه همایش سراسری مسئولان حوزه نمایندگی ولی‌فقیه در امور استان‌های وزارت جهاد کشاورزی در کلارآباد بیان کرد این میزان ساخت‌وساز به‌صورت غیرمجاز و قاچاق و به‌صورت ویلایی و مسکونی ساخته شده و در مجموع پنج میلیون مترمربع ساخت‌وساز غیرمجاز صورت گرفته است. وی با اشاره به اینکه از این میزان، تنها برای ۵۰۰ فقره

ادامه از صفحه ۵

مناطق آزاد، پابلیوت جذب سرمایه‌گذاری خارجی

● با توجه به فزونی یافتن انتظارات مقام ریاست‌جمهوری از مناطق آزاد، در اینجا به برخی ملاحظات کلیدی برای توسعه مناطق آزاد و جذب سرمایه‌گذاری خارجی اشاره می‌شود. این ملاحظات کلیدی نشان می‌دهد که صرفا اختصاص یک ناحیه به منطقه آزاد به خودی‌خود، ناحیه‌ای را برای جذب سرمایه‌گذاری و توسعه صنعت صادرات جذاب نمی‌کند، بلکه باید شرایط اساسی برای این فعالیت‌ها به وجود آیند، در غیر این صورت سرمایه‌گذاری کیفیتی پایین‌تر از حد انتظار خواهد داشت با به‌طورکلی هیچ‌گاه صورت نخواهد گرفت. این ملاحظات کلیدی که ثبات سیاسی و امنیت اقتصادی از مهم‌ترین آنها به‌شمار می‌روند را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

ثبات سیاسی و امنیت اقتصادی: برای اکثر سرمایه‌گذاران، این مسئله‌ای مهم است و آنچه برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی مهم است، برخورداری کشور از سیاست اقتصادی دائمی مبتنی بر تشکیلات اقتصادی خصوصی، سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه صادرات و همچنین داشتن محیطی با ثبات از نظر سیاسی است.

تسهیلات حمل‌ونقل و ارتباطی مناسب: برخورداری از تسهیلات حمل‌ونقل و ارتباطی مناسب نیز برای بیشتر صنایع منطقه آزاد مانند الکترونیک، مهندسی سبک و پوشاک، تسهیلات حمل‌ونقل و ارتباطات هوایی بسیار مهم به‌شمار می‌رود. این به معنی ظرفیت حمل هوایی متناسب و ارائه خدمات در تمام مسیرهای اصلی است و برای فعالیت‌های خدماتی بین‌المللی، تسهیلات ارتباطی خوب بسیار اهمیت دارد.

محیط فیزیکی سالم: بیشتر سرمایه‌گذاران، شرکت‌های داخلی و بین‌المللی هستند که همواره دنبال محیطی عاری از آلودگی با رعایت استانداردهای خوب و مناسب برنامه‌ریزی فیزیکی هستند. توجه به چگونگی ایجاد پشتوانه‌های تولیدی و خدماتی در این مناطق بسیار بااهمیت است.

زیربنای قابل اطمینان: منابع مطمئن آب، برق، انرژی و مخابرات برای سرمایه‌گذاران اهمیت ویژه‌ای دارد، هرگونه کاستری در این‌باره تأثیر قابل‌توجهی در کاهش سرمایه‌گذاری‌ها برجای خواهد گذاشت.

دسترسی به بازار: دسترسی ترجیحی به یک بازار مهم و اصلی، امتیازی بزرگ است. برای مثال درحال‌حاضر اتحادیه اروپا، ۲۷ کشور اروپایی اعم از شرقی و غربی را دربر دارد. همچنین می‌توان به آسیای میانه، حوزه قفقاز، کشورهای حاشیه خلیج‌فارس، افغانستان، پاکستان و... به‌عنوان بازار هدف برای اقتصاد ایران اشاره کرد که این موارد البته نیازمند عزم جدی برای مطالعات تقاضای بازار و ظرفیت‌سازی با هدف پاسخ‌گویی به آن است.

خدمات حمایتی: خدمات حمایتی اصلی نظیر بانکداری و فورورادینگ (خدمات اداری حمل‌ونقل) ازجمله ملزومات تمام مناطق آزاد به‌شمار می‌روند. اگر منطقه‌ای به‌دنبال فعالیت‌های الکترونیکی و مهندسی فوق‌تخصصی با ارزش افزوده بالااست، وجود مفاقت‌کاران فرعی و تهیه‌کنندگان قطعات بدکی با کیفیت خوب، یک امتیاز محسوب می‌شود.

نیروی کار: هزینه و بازدهی نیروی کار و دامنه مهارت‌ها، بیش از عوامل دیگر، تعیین‌کننده نوع صنعتی است که جذب منطقه آزاد می‌شود.

سازماندهی مناسب: سازمانی که اولاً با تقاضاهای سرمایه‌گذاران سازگاری مناسب و سریع دارد و ثایاً زمانی که تقاضای‌شان پذیرفته شد، در مرحله تأسیس و راه‌اندازی با آنها همکاری می‌کند، اهمیت ویژه‌ای دارد. به‌طور معمول تفاوت میان دو موقعیت مکانی و انتخاب محل، به درنظرگرفتن موارد جزئی وابسته است، در چنین شرایطی، تأثیر سازماندهی منطقه روی سرمایه‌گذار می‌تواند سرنوشت‌ساز باشد.

محیط شهری توسعه‌یافته: درصورتی که یک منطقه آزاد درصدد جذب صنعت سبک باکیفیت بالا و پرسنل غریبومی باشد، باید از محیط شهری توسعه‌یافته‌ای برخوردار باشد. مناطق آزادی که در ایران در مجاورت اماکن توسعه‌یافته هستند، از این امتیاز بهره‌مند می‌شوند.

صنعت موجود: وجود بخش معینی از صنعت توسعه‌یافته که از قبل در منطقه آزاد یا در نزدیکی آن ایجاد شده است، امتیازی برای کارخانه دردست‌تأسیس و نیز کشور میزبان به حساب می‌آید. مجموعه مواردی که در بالا به آنها اشاره شد، از ملزومات یک منطقه آزاد خوب هستند. در پایان باید گفت با وجود اینکه درحال‌حاضر در میان بیش از سه هزار منطقه آزادی که در سرتاسر جهان وجود دارند و به‌طور دائم بر تعداد آنها افزوده می‌شود مناطق آزاد نقش و اهمیتی استراتژیک برای جذب سرمایه‌گذار دارند. حمایت از این مناطق می‌تواند استفاده از فرصت‌ها را برای بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و جذب فعالان اقتصادی داخلی و خارجی پیش‌روی مدیران اقتصادی بالادست کشور قرار دهد، تا هرچه‌زودتر انتظاراتی رئیس‌جمهور برای تعیین نقش مناطق آزاد در اقتصاد کشور برآورده شود.